

اهرم‌ن و دیوان در متون پهلوی*

در بعضی از کتب دستنویس پهلوی، کلمهٔ انگره مینو (پارسی میانه) **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥** اهرمن به صورت وارونه **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥** نوشته شده. تا آن جایی که این نویسنده اطلاع دارد تاکنون دلیلی برای این کار عنوان نشده و کسی نیز این موضوع را مطرح نکرده است. نویسنده بر این باور است که دلیل وارونه نوشتن اهرمن در این متون رابطهٔ مستقیمی با جهانبینی مزدیسنان، به خصوص در دوران ساسانی دارد. برای یافتن دلیل این کار در متون پهلوی، باید نگاه کوتاهی به تحول مقام اهرمن در جهانبینی زرتشتی کرد.

در گائها، ثنوتی که وجود دارد میان سپتامینو و انگره مینوست. در این مبارزه اهورا مزدا همتایی ندارد و این بعدهاست که موبدان ساسانی انگره مینورا رقیب اهورا مزدا ساختند و ثنوت زرتشتی جدیدی به وجود آوردند. در حقیقت این اهورا مزدا نبود که از مقامش کاسته شده بود، بلکه وسواس موبدان زرتشتی دربارهٔ انگره مینو، این مینوی پلید، بود که او را تبدیل به رقیبی مهم در برابر اهورا مزدا نمود. این اهمیت دادن بیش از حد به اهرمن در زمان ساسانیان، باعث شد تا گروهی از دیوان نیز به وجود آیند و در مقابل هر یک از امشاسپندان قرار گیرند که آنها را کمالیگان (kamaligan) می نامند. بنا بر روایت بندهش، علت آفرینش این کمالیگان یا دیوان سران توسط اهرمن این است که اهرمن از هنگام آفرینش تاکنون برای نابودی آفریدگان اهورا مزدا آسودگی نداشت و در برابر هر اقدام اهورا مزدا، دست به عملی مخالف آن می زد و از همین رو کمالیگان را در برابر امشاسپندان آفرید. در متون پهلوی نیز آمده است که هرچیزی که اهورا مزدا و ایزدان

به وجود آوردند نیروهای اهرمنی به آن حمله بردند و سعی در نابودی آن کردند.^۱ در حقیقت نه تنها نیروهای اهرمنی بلکه خود اهرمن نیز چیزی جز نیروی وارونه اهورا بیان نیست.^۲ تأثیر این کارکرد دیوان در ادبیات حماسی نیز دیده می شود. در شاهنامه فردوسی یکی از نشانهای ویژه دیو، بر عکس عمل کردن است و به همین سبب به او صفت وارونه داده اند برای مثال:

بسزد چنگ وارونه دیوسسیاه دو تا اندر آورد بسالای شاه^۳

این وارونه عمل کردن دیورا در داستان اکوان دیو نیز نشان داده اند. بر طبق این روایت پس از آن که اکوان، رستم را در خواب غافلگیر کرد، زمین را گرد تا گرد او می بُرد و رستم را با زمین بریده به آسمان می برد، از رستم می پرسد: تورا در آب بیندازم یا در خشکی؟ رستم که کار را در «کف دیو وارونه» می بیند، به او می گوید: مرا به خشکی بینداز، تا دیو عکس آن عمل کرده، او را به دریا اندازد، و حدس او نیز درست است.^۴ در کتاب زند بهمن یسن (فصل ۴۰۵) نیز این وارونه عمل کردن دیوان نیز در پیشگویی حمله بیگانگان که به دیو تشبیه شده اند توصیف گردیده است:

ای زردشت سپیتمان! این دهمای ایران که من اورمزد آفریدم، به زشتکامی و ستم و فرمانروایی بد پکنند. دیوان گشاده موی، فریفتار هستند یعنی آنچه گویند، نکنند و بد دین هستند یعنی آنچه نگویند کنند. ایشان را عهد، پیمان و راستی و آیین نیست و زینهار ندانند و به عهدی که کنند، نایستند.

در هر حال چنین به نظر می رسد که کاتبان متون پهلوی گاهی هنگام نوشتن کلمه اهرمن آن را وارونه می نوشتند^۵ و نشان آن بود که از دست اهرمن کاری درست ساخته نیست، بلکه کارش همشه برعکس عمل اهورامزدا و آفرینش اوست.

دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس

زیرنویسها:

* با تشکر از راهنمودهای دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر جلال متینی و دکتر محمود امیدسالار.

۱- مهرداد بهار، بندهش فرنیج دادگی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹.

۲- صادق هدایت، «گجسته ابالیس»، مجموعه نوشته های پراکنده صادق هدایت، انتشارات امیرکبیر، تهران،

چاپ دوم، ۱۳۴۴، ص ۳۳۵.

۳- James Darmesteter, The Vendidad, Part I, Sacred Books of the East, Vol. 4,

Motilal Banarsidass Publishers, Delhi, 1992, lxvii.

۴- شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، یکم ۲۳/۲۳. برای گواهیهای دیگر بنگرید به فرهنگ ولف، زیر

«دیو»، شماره ۱۷ همچنین بنگرید به:

Mahmoud OmidSalar, "Div," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. VII, ed. E. Yarshater, Mazda Publishers, Costa Mesa, 1996, p. 429.

۵- شاهنامه به کوشش جلال خالقی مطلق، سوم ۵۵/۲۹۲ به جلو؛ و نیز رجوع کنید به مقاله «اکوان دیو» در دانشنامه ایرانیکا.

۶- زند بهمن یسن، تصحیح، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشتها از مجید تقی راشد محصل، مؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۵.

♦ برای نمونه به بندهش ایرانی: دستنویس ت د ا، خط هفتم مراجعه فرماید:

۱- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۲- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۳- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۴- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۵- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۶- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۷- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۸- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۹- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۱۰- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۱۱- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۱۲- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۱۳- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۱۴- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها
 ۱۵- دیو و دیویان و دیوگان و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها و دیوگرها